

بررسی وام‌واژه‌های اروپایی، فارسی و عربی در سورانی معیار

بهروز محمودی بختیاری

بررسی وام‌واژه‌های اروپایی، فارسی و عربی در سورانی معیار، جعفر حسن‌پور،
دانشگاه اوپسالا (سوئد)، ۱۹۹۹م، ۱۷۶ صفحه.*

مقوله «وام‌واژه‌ها» و تغییرات آنها در سایر زبان‌ها، از مقوله‌های جذاب در مطالعات جامعه‌شناسی زبان است. از نخستین متون شناخته‌شده و مهم تا تألیفات روزگار ما، کمتر کتابی را می‌توان در زبان‌شناسی همگانی یا جامعه‌شناسی زبان یافت که به مقوله «قرض‌گیری» پرداخته باشد. احتمالاً بلومفیلد نخستین کسی است که مبحث قرض‌گیری زبانی را به صورتی جدی در اثر خود مطرح کرده و در آن علت قرض‌گیری زبانی را «تبادل عناصر فرهنگی در میان جوامع زبانی» ذکر کرده است. از نظر او قرض‌گیری یا فرهنگی (cultural) است، یا درونی (intimate)، یا گویشی (dialectal) است، یا متمایز (distinct). او در کتابش دو گونه زبان را تحت نام‌های زبان زیرین (upper language) و زبان زیرین (lower language) معرفی می‌کند و جهت قرض‌گیری را همواره از زبان زیرین به سوی زبان زیرین می‌داند.^۱

از سوی دیگر، برخی از زبان‌شناسان، مانند لوباو، حرکت عنصر قرضی را از زبان

* Jafar Hasanpoor, *A Study of European, Persian and Arabic Loans in Standard Sorani*, Uppsala, 1999.
1) L. Bloomfield, *Language*, New York, 1933, pp. 445-493.

زیرین به سوی زبان زیرین مورد تردید قرار می‌دهند. از نظر ایشان، مواردی چون «برخوردهای زبانی» نیز در کنار «نیاز» و «موقعیت اجتماعی» در قرض‌گیری دخیل هستند؛ به این معنا که قرض‌گیری هم می‌تواند ضروری باشد و هم غیرضروری^۲. مثلاً کلماتی چون آچار (ترکی) و پریز (انگلیسی) واژه‌هایی هستند که خلأیی را در فارسی پر کرده‌اند، لذا واژه‌های قرضی ضروری هستند. علاوه بر این، واژه‌هایی را نیز می‌توان یافت که معادل فارسی دارند و صرفاً به منظور بالا بردن شأن اجتماعی و یا نمایاندن تحصیلات و موقعیت افراد به کار می‌روند، مانند واژه‌های فول‌تایم و دکورازه در فارسی. نظر به اهمیتی که چنین مطالعاتی در روند تغییرات زبانی دارند، تا کنون پژوهش‌های پرشماری پیرامون قرض‌گیری‌های زبانی صورت گرفته است و محققان ایرانی نیز در این راستا مطالب گوناگونی در مورد واژه‌های قرضی زبان‌های دیگر در زبان‌های ایرانی نوشته‌اند. جدیدترین کاری که در این حوزه می‌شناسیم، کتاب مورد بحث این مقاله است، که رسالهٔ دکتری نگارندهٔ آن در دانشگاه اویسالای سوئد به راهنمایی پروفسور بو اوتاس (Bo Utas) بوده است.

سوران در اصل نام منطقه‌ای کردزبان است که بخش عمدهٔ آن در شمال عراق قرار دارد و سورانی به گویش‌های مرکزی کردی اطلاق می‌شود که گونه‌های آن در شهرهای مهاباد، نقده، اشنویه، سقز، بانه، سردشت، بوکان، و سنندج در ایران و نیز در شهرهای سلیمانیه، خانقین، حلبچه، اربیل و قلعه‌دزه در عراق تکلم می‌شود.

کتاب بررسی وام‌واژه‌های اروپایی، فارسی و عربی در سورانی معیار از شش فصل تشکیل شده است. فصل اول روش‌ها و اهداف نام دارد، که در آن به مفاهیمی چون قرض‌گیری، زبان معیار و پاک‌سازی زبان پرداخته شده است و نگاهی نیز به آثار پیشین در مورد معیارسازی و واژه‌های قرضی در سورانی دارد. فصل دوم کتاب، حجمی کم (۵ صفحه) و نامی مهم دارد: مروری اجمالی بر وام‌واژه‌های عربی و فارسی در سورانی. این فصل خود به سه قسمت تقسیم شده است: وام‌واژه‌های عربی در سورانی، وام‌واژه‌های فارسی در سورانی، و فرهنگستان و گسترش فارسی معیار. در بحث وام‌واژه‌های عربی، به اسامی، صفات و قیود توجه شده است. نمونه‌هایی از داده‌های کتاب (ص ۲۹) از این قرار است:

2) W. Labov, *Sociolinguistic Patterns*, Philadelphia, 1972, pp. 308-328.

mu'elimîn معلمین، hewadis حوادث، hazir حاضر، teqrîben تقریباً.

در مبحث واژه‌های فارسی در سورانی، نویسنده تذکر می‌دهد که منظورش از فارسی، فارسی جدید است.

نمونه‌های فارسی هم در چهار دسته اسامی، صفات، افعال و پسوندها ارائه شده‌اند (ص ۳۲). مثلاً کلمه سردوشی که به صورت serdo şî یا کلمه شناسنامه که به صورت şunaşname در سورانی آمده‌اند، نمونه‌های اسامی قرضی هستند. نمونه صفت قرضی، کلمه destpaçe [دستپاچه فارسی] و کلمه dîtin kirdin (دیدن کردن) هم به عنوان نمونه فعل قرضی ذکر شده است. این فصل با بیان تاریخچه‌ای از تشکیل فرهنگستان در ایران و نکاتی در مورد عملکرد کنونی آن پایان می‌پذیرد.

فصل سوم کتاب، کردها، ملی‌گرایی کردی و گویش‌های معیار کردی نام دارد.

فصل چهارم سورانی معیار و پیش از معیار نام دارد که نویسنده در آن به پیشینه کردی و ادبیات آن پرداخته است.

فصل پنجم کتاب را باید، به واقع، شروع بحث جدی و پرحجم‌ترین فصل این کتاب (ص ۸۸-۱۵۶) دانست. نام این بخش منابع، واژه‌ها و تحلیل وام‌واژه‌های اروپایی، فارسی و عربی در سورانی است که نام کتاب نیز مأخوذ از آن است. نویسنده در این قسمت از دو دسته منابع برای استخراج داده‌های خود استفاده کرده است: نوشته‌های ادبیای سورانی‌زبان و فرهنگ‌های کردی.

فهرست وام‌واژه‌های اروپایی، فارسی و عربی در سورانی از صفحه ۹۱ کتاب آغاز می‌شود. نویسنده هر واژه را ابتدا در متن کردی آورده و سپس نمونه فارسی آن را به دست داده است. هر واژه با توجه به مثال‌های متعدد و برابرنهاده‌های گوناگون (حتی از سوئدی) بین نیم تا یک صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است. فهرست این واژه‌ها به شرح زیر است:

apartman (آپارتمان)، adrês (آدرس)، arşîw (آرشیو)، balêt (باله)، batşwîk (بلشویک)، berdenû sraw (لوحه)، bomba (بمب)، borjwazî (خرده‌مالکیت، بورژوازی)، çapxane (چاپخانه)، cîhan (جهان)، cuxrafya (جغرافیا)، dawa (نیاز)، debîristan (دبیرستان)، dîjban (دژبان)، dîktator (دیکتاتور)، dîkte (دیکته)، dîmukrasî (دموکراسی)، dîsplîn (نظم و ترتیب)، dosîye (پرونده)، dîfama (نمایش)، duçerxe (دوچرخه)، duktor (پزشک)، duktora (دکترا)، eflatûnî (افلاطونی)، efser (افسر)، etom (اتم)، ewîn (عشق)، ezmûn (تجربه)،

faşizm (فاشیزم)، felsefe (فلسفه)، ferheng (فرهنگ)، folklor (فرهنگ عامه)، form (برگه)،
framofon (گرامافون)، groban (گروه‌بان ارتش)، hadite (حادثه، اتفاق)، heq (حق)،
ictima' (اجتماع)، ihsas (احساس)، impiratore'ti (امپراتوری، پادشاهی)، jandarmeri
(ژاندارمری)، jenera' (تیمسار)، jimare (شماره)، kadir (قادر، قاب)، karikator (کاریکاتور)،
kart (کارت)، katolik (کاتولیک)، kema'ist (کمالی، پیرو آتاتورک)، kilas (کلاس)، ki'ise
(کلیشه)، kodeta (کودتا)، kome'nas (جامعه‌شناس)، komite (کمیته، هیأت)، komunizm
(کمونیسم)، kongire (کنگره)، kulun'e (سرهنگ)، kum'isyon (کمیسیون)، ma'sen (خودرو)،
me'h b'ub (محبوب)، menti'qe (منطقه)، midir (مدیر)، mikrob (میکروب)، milyon (میلیون)،
miting (میتینگ، اجتماع حزبی و سیاسی)، mitir (متر)، mubsir (بازرس، کامل، ارشد
کلاس)، mudakere (مذاکره)، musiqa (موسیقی)، name (نامه)، nasyonal'ist (ملی‌گرا)، naqis
(ناقص)، nazim (ناظم)، nazizm (نازیسم)، nuxte (نقطه)، no'ner (نماینده)، organ (ارگان)،
opera (اپرا)، pan'iran'ist (پان‌ایرانیست)، panturki'zm (پان‌ترکیسم)، partizan (چریک،
پارتیزان)، pas (اتوبوس)، pasaj (پاساژ، مرکز خرید)، patext (پایتخت)، pe'snihad (پیشنهاد)،
pit (حرف)، polis (پلیس)، pasga (پاسگاه پلیس)، p'of'sor (استاد)، p'rogram (برنامه)،
p'upagende (تبلیغات)، qutabxane (مکتب ادبی)، radar (رادار)، radyo (رادیو)، ram'us
(بوسه)، raport (گزارش)، rekorder (ضبط صوت)، rewan'sinas'i (روان‌شناسی)، ri'f'andom
(همه‌پرسی)، rijim (رژیم)، ri'portaj (گزارش مطبوعاتی)، riyal'ist (واقع‌گرا)، rojname
(روزنامه، مجله)، rof (نقش)، roman (رمان، داستان بلند)، romanti'k (احساسی)، sansor
(سانسور)، semfon'i (سمفونی)، senator (سناتور)، serbaz (سرباز)، serdo'sh (سردوشی)،
sertip (سرטיפ)، sinema (سینما)، sikirter (منشی)، sitrat'i'jik (استراتژیک)، si'xar (سیگار)،
sowin'ist (سوسیالیسم)، standard (استاندارد)، supas (سپاس، تشکر)، tank (تانک)، teknik
(تکنیک)، şunasname (شناسنامه)، tab'o (تابلو)، taktik (تاکتیک)، temate (گوجه‌فرنگی)، tezari'zm
(تزاریسیم، حکومت تزارها)، tiyator (نمایش، تئاتر)، tiyori (نظریه)، tiraj (شمارگان، تیراژ)، و
zanistge (دانشگاه).

نویسنده، پس از ارائه این فهرست تفصیلی، واژه‌های بالا را بر اساس مدل هاگن
(Haugen) دسته‌بندی کرده است، یعنی واژه‌های قرضی را به دو گروه مستقیم و غیرمستقیم
تقسیم کرده است و سپس به وام‌واژه‌های مخلوط (loan blends) و وام‌واژه‌های تغییری
(loanshifts) پرداخته است، مفاهیمی که ما بیشتر تحت عناوین «تعبیر و تعمیم قرضی»
می‌شناسیم.

پایان‌بخش کتاب، فصل ششم آن تحت عنوان نتیجه‌گیری است که در سه صفحه ارائه شده است.

در آغاز گفته شد این کتاب در اصل یک رسالهٔ دکتری بوده است، ولی با دقت در آن به این نکته پی می‌بریم که ساختار یک رساله، به‌ویژه رسالهٔ دکتری، در آن دیده نمی‌شود. فصل اول، که به درستی با توصیف و بیان ملاحظات نظری آغاز شده است، به گونهٔ نامنظمی با مرور آثار پیشین آمیخته است. شایسته‌تر آن بود که بخش مرور آثار پیشین – به صورتی که این آثار را صرفاً معرفی کند، نه آنکه حجم زیادی را بگیرد – در فصلی جداگانه می‌آمد و با توجه به اینکه نویسنده فهرست‌های خوبی از آثار کردی و قرض‌گیری‌های کردی در جای‌جای کتاب خود (۲۳-۲۵ و ۸۱-۹۱) ارائه کرده است، این کار امکان‌پذیر و سهل می‌بود.

در فصل دوم کتاب، با قسمتی مواجهیم که ظاهراً هستهٔ کار را تشکیل می‌دهد، ولی شگفتی اینجاست که خواننده پس از مطالعهٔ تاریخچهٔ معیارسازی کردی، ناگهان بحث را نیمه‌کاره می‌یابد و ادامهٔ این بحث در فصل‌های چهار و پنج می‌آید! عجیب‌تر آنکه پس از بحثی مفصل دربارهٔ ویژگی‌های کردی، تازه در فصل سوم با تعریف کردها و زبانشان مواجهیم. این چیزی است که قاعدتاً باید در فصل‌های پیشین مطرح می‌شد. آشفتگی مطالب به فصل دوم کتاب محدود نمی‌شود، چرا که فصل سوم کتاب نیز ساختار منسجمی ندارد. از آن جمله تعداد صفحات کل فصل ۲۸ صفحه و نتیجه‌گیری فصل ۱۶ صفحه است!

تا فصل پنجم کتاب، نشان روشنی از زبان‌شناسی دیده نمی‌شود، تا آنکه سرانجام به فهرست واژه‌ها می‌رسیم.

نکتهٔ مهم دربارهٔ این کتاب عارضه‌ای است که به نظر می‌رسد اکثر محققان مشرق‌زمینی تا حدودی به آن مبتلایند، و آن متأثر شدن پژوهش‌های علمی از حس وطن‌دوستی است. متأسفانه نثر مؤلف در پاره‌ای از بخش‌های کتاب، به جای نثر متقن علمی، احساسی است.

پاره‌ای مسائل فنی و کم‌دقتی‌های ارجاعی هم در کار مشهود است؛ مثلاً نویسنده در صفحهٔ ۳۱ به کار ژیان (۱۹۷۲) اشاره می‌کند و آن را «تحقیقی در گروه زبان‌شناسی

دانشگاه تهران» می‌خواند، حال آنکه با نگاهی به کتاب‌نامه آخر کتاب، متوجه می‌شویم که این اثر مقاله‌ای است در مجموعه سخنرانی‌های دومین کنگره تحقیقات ایرانی. نام این اثر نیز «بررسی گویش کردی مهاباد» نیست، بلکه «مقایسه بعضی واژه‌های کردی و فارسی» است. همچنین آثاری را می‌شناسیم که اتفاقاً بر گونه سورانی متمرکز شده‌اند که در این اثر (به احتمال قوی، سهواً)، به آنها اشاره‌ای نشده است، مثل کتاب صرف و دستور زبان کردی سورانی، اثر مصطفی خرّم‌دل (۱۳۴۷).

با وجود این، اثر آقای حسن‌پور کتاب مفیدی است. اطلاعات جنبی کتاب برای علاقه‌مندان غیرزبان‌شناس هم مفید است. از همه اینها مهم‌تر، انتشار آثاری پیرامون زبان‌ها و گویش‌های ایرانی در اسکاندیناوی موجب مسرت اهل فن است.

